

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال چهاردهم، شماره‌ی پنجاه‌وسوم، پاییز ۱۴۰۱، صص ۲۵-۱
(مقاله علمی - پژوهشی)

بازیابی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی

عباسعلی احمدی^۱، علیرضا انتشاری نجف‌آبادی^۲

چکیده

دوره حکمرانی سلجوقیان در تاریخ سیاسی، فرهنگی، هنری و معماری ایران دوره اسلامی به طور اعم و اصفهان دوره اسلامی به طور اخص، همواره یکی از دوره‌های مهم و اثرگذار به شمار آمده است. با وجود این، نکات مبهم و جنبه‌های ناشناخته بسیاری از این دوره تاریخی، فرا روی محققان قرار دارد که از آن جمله چگونگی ساخت کاخ‌ها و باغ‌های سلاطین و دولت‌مردان سلجوقی در یکی از پایتخت‌های مهم آنها اصفهان است. بر همین اساس، در پژوهش پیش رو سعی بر آن است که به شیوه تاریخی-تحلیلی، با تکیه بر منابع تاریخی و ادبی و همچنین نگاهی به آثار منتسب به این دوره، تا حد امکان جنبه‌های روشن‌تری از وضعیت کاخ‌ها و باغ‌های این دوره به دست آید. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش، کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی با در نظر گرفتن مواردی همچون هویت مالکان، موقعیت مکانی، دوره ساخت، نوع کاربری و شمول، در دسته‌هایی چند قابل طبقه‌بندی است؛ اکثر بناها متعلق به وزرا و رجال سیاسی این عهد بوده و به‌اسطه شیوه خاص زندگی حاکمان سلجوقی - که سیار بودن دربار و کم‌جلوه بودن حضور حاکم در پایتخت را در پی داشت- کاخ حکومتی شهر، بیش از آنکه مکانی برای سکونت سلطان و خاندان وی باشد، مکانی برای انجام امور اداری و رسمی بوده است.

واژه‌های کلیدی: دوره سلجوقی، ملک‌شاه سلجوقی، کاخ، باغ، اصفهان.

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول).

a.ahmadi@sku.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران. a.enteshari@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۳۰ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۸/۲۴

مقدمه

ساخت کاخ‌ها و باغ‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی، به علت حمایت حاکمان و افراد متمول جامعه، از حمایت‌های مالی شاهانه، پشتوانه غنی و به کارگیری معماران توانمند برخوردار بوده است؛ این بناها نه فقط نشان‌دهنده بسیاری از شاخصه‌های معماری و هنری هر عصر، بلکه بازتابی از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سبک زندگی دوران خود بوده است. ساخت این گونه مجموعه‌ها که قدرت پادشاه را با زبان هنر و معماری نمایان می‌کرد، بی‌گمان در امپراتوری وسیع و قدرتمند سلجوقی، جایگاه ویژه‌ای داشته است. همانند بسیاری از دوره‌ها، در این دوره نیز ساخت کاخ‌ها و باغ‌ها به حاکمان محدود نبوده است و بسیاری از افراد ذی نفوذ همچون رجال دولتی، درباریان، تجار و اشراف نیز کاخ و باغ‌هایی داشته‌اند. مراجعه به متون تاریخی حکایت از آن دارد که در دوره سلجوقی وضعیت اقتصادی و سیاسی به گونه‌ای بوده که حتی امرای محلی نه‌چندان معتبر نیز کاخ‌های باشکوهی داشته‌اند (هیلن‌براند، ۱۳۹۳: ۱۵). بر این اساس، با انتخاب اصفهان به پایتختی امپراتوری سلجوقی و حضور حاکم، وزرا و دیوان‌سالاران متنفذ و امرای ترک در این شهر، به نظر می‌رسد همانند بناهای مذهبی (مسجد جامع اصفهان و مناره‌ها)، بناهای سلطنتی و کاخ‌های بسیاری نیز در آنجا ساخته شده باشد. به‌رغم چنین برداشتی، به تقریب، اثری از بناهای سلطنتی و باغ‌های اصفهان سلجوقی برجای نمانده و در ارتباط با چند و چون آنها اطلاعات منسجمی وجود ندارد. با توجه به در نظر گرفتن مکتوبات تاریخی موجود و قابل حصول، عمده‌ترین پرسش‌هایی که در پژوهش پیش رو در پی یافتن پاسخ آنیم، نخست، بررسی وجود یا عدم وجود کاخ و باغ‌های سلجوقی به ویژه نمونه‌های سلطنتی در اصفهان بوده و دیگر آن که در صورت وجود، این نمونه‌ها شامل کدام موارد بوده، در چه مکانی قرار داشته، کدام ویژگی‌های ساختاری را در برداشته و نمایان‌کننده کدام ویژگی ساختاری حکومت عصر سلجوقی بوده است.

پیشینه پژوهش

میرزا حسن خان جابری انصاری برای اولین بار بر اساس جای‌نام‌های باقی‌مانده در زمان خود (دوره قاجار)، به بررسی موقعیت تعدادی از کاخ‌ها و باغ‌های کهن اصفهان

بازیابی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی | ۳

پرداخته است (بی تا: ۴۰۷-۴۱۰). محققان بعدی نیز در خلال نوشته‌های خود ضمن اشاره به نام تعدادی از این کاخ‌ها و باغ‌ها، سعی در جایابی آنها داشته‌اند که از آن جمله به هنر فر (۱۳۵۰ ب: ۱۷۰)، رفیعی مهرآبادی (۱۳۵۲: ۵۷-۸۸)، سروشیار (۱۳۵۴: ۳۶)، گلابی (۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۸)، کجباف (۱۳۹۴: ۹۰)، جمال‌الدین (۱۳۹۶: ۹۹-۱۰۴)، همایی (۱۳۹۸: ۳۴۲-۳۶۳) و نامداریان و همکاران (۱۳۹۵: ۲۲۴) باید اشاره کرد. همچنین افرادی همچون گلمب^۱ (1974: 31.28)، شفق‌ی (۱۳۸۵: ۲۳۹ و ۲۳۰ و ۲۲۶)، جعفری جبلی و شهابی نژاد (۱۳۹۵: ۱۰۵) دیوران‌د گدی^۲ (۱۳۹۵: ۷۵-۹۴؛ 2018: 312,253) و جاوری و علیان (۱۳۹۵: ۲۷-۲۵) در خلال مطالعات مرتبط با دوره‌های شهرسازی اصفهان، به مجموعه‌های سلطنتی سلاجقه در اصفهان، اشاره گذرایی کرده‌اند. با توجه به اینکه در این آثار به طور مستقل به موضوع پرداخته نشده و، یا به برخی نمونه‌ها اشاره نشده است، همچنین به علت ارائه پاره‌ای اطلاعات و تحلیل‌های نادرست، انجام پژوهش پیش‌رو و بازبینی و بررسی موضوع ضرورت دارد.

روش پژوهش

این پژوهش بنا به ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی بوده و جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. براین اساس، متون تاریخی، اعم از تواریخ عمومی، محلی، سفرنامه‌ها، کتب شرح حال، تراجم، طبقات علما و متون مذهبی، در کنار پژوهش‌های محققان معاصر مورد استفاده قرار گرفته است.

سلاجقه و اصفهان

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان غز ساکن آسیای مرکزی بودند که سبک زندگی آنها کوچ‌نشینی و پیشه آنها دامداری بود. آنها در دوره غزنوی در ماوراءالنهر سکنی گزیدند و چندی بعد، کشته شدن رهبرشان اسرائیل به دست سلطان محمود، باعث درگیری آنان با غزنویان و در نهایت، پیروزی‌شان بر ایشان شد؛ به این ترتیب، بر خراسان سلطه

1. Golombek
2. Durand Guédy

یافتند و سلسله سلجوقی را در زمان طغرل تشکیل دادند. آنها تا سال ۴۴۷ ه. ق بر مناطقی چون خوارزم، خراسان، عراق عجم، آذربایجان و عراق عرب دست یافته بودند (جعفریان، ۱۳۹۳: ۴۵۱-۴۴۹). خیلی زود سنت‌های شهرنشینی مناطق مفتوحه با سنت‌های قبیله‌ای سلاجقه درآمیخته شد (رحمان پور، ۱۳۹۳). اصفهان یکی از شهرهای مهمی بود که در زمان طغرل فتح شد. طغرل به اصفهان توجه خاصی داشت و گاهی در آنجا اقامت می‌گزید و حتی مبلغ چشمگیر ۵۰۰ هزار دینار برای ساختمان‌سازی در اصفهان خرج کرد (آوی، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۵؛ کجباف، ۱۳۹۴: ۴۰). در زمان آلبارسلان، اصفهان به‌عنوان ولیعهدنشین انتخاب شد. این موضوع مقدمه‌ای برای پایتختی این شهر در عهد ملکشاه بود (کجباف، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۱). گفته شده که آلبارسلان به ساخت بناهای رفیع در اصفهان اقدام کرد، چراکه اعتقاد داشت این کار نشانه بلندهمتی و داشتن ثروت است (علیزاده و زمانی، ۱۳۹۶: ۱۴۲). دوره سلطنت ملکشاه را باید دوره اوج حکومت سلاجقه دانست. در زمان ملکشاه، وسعت قلمرو سلجوقیان به بیشترین حد رسید و رونق پایتخت وی اصفهان، موجب تمجید بسیار مورخان از این شهر شد (کجباف، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۲)؛ به‌طوری‌که القابی چون خیرالبلاد و جنات عدن به آن دادند (علیزاده و زمانی، ۱۳۹۶: ۱۴۰ و ۱۴۲). در آن زمان، اقدامات عمرانی گسترده سلاجقه، به توسعه هر چه بیشتر شهر کمک کرد. همچنین به‌دلیل پایتختی اصفهان، ثروت سرزمین‌های تابعه به آنجا سرازیر شد (همان: ۱۵۰). در دوره ملکشاه، برنامه‌های عمرانی بزرگی چون تجدید بنای مسجد جامع (جبل عاملی، ۱۳۹۲: ۵۰-۴۴) و مدرسه نظامیه (کسائی، ۱۳۶۳: ۲۲۹-۲۱۹) در اصفهان اجرا شد. دوره رونق اصفهان با درگذشت ملکشاه و وزیر باکفایتش خواجه نظام‌الملک، به پایان رسید. جنگ‌های داخلی، ظهور اسماعیلیه و اختلافات مذهبی در شهر، آشوب و ویرانی اصفهان را در پی داشت (علیزاده و زمانی، ۱۳۹۶: ۱۴۶). جانشینان ملکشاه نیز برای دستیابی به تاج و تخت، به جنگ‌های داخلی متعدد دست زدند. از طرفی قیام اسماعیلیان و حمله صلیبی‌ها نیز مشکلات را دوچندان کرد (حسین، ۱۳۸۹: ۹۱-۷۱). آخرین سلطان مشهور سلاجقه، سنجر بود که بر خراسان و ری سلطه مطلق داشت. با این حال، در زمان وی حکومت سلجوقی چندپاره شد (جعفریان، ۱۳۹۳: ۴۸۵-۴۷۹). نهایتاً با کشته شدن

طغرل سوم به دست تکش خوارزمشاهی، در سال ۵۹۰ ه.ق سلسله سلجوقی منقرض شد (همان: ۵۵۵).

کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان در عصر سلجوقی

با توجه به اطلاعات قابل حصول از متون تاریخی به ویژه متون دوره سلجوقی، کاخ‌ها و باغ‌های موجود در اصفهان عهد سلجوقی، در قالب چهار دسته به شرح زیر قابل طبقه‌بندی و بررسی است: ۱. بناهای حکومتی و اداری؛ ۲. باغ‌های سلطنتی و خصوصی؛ ۳. کاخ‌های پراکنده در اطراف شهر و ۴. خانه‌های اعیانی بزرگان و درباریان شهر.

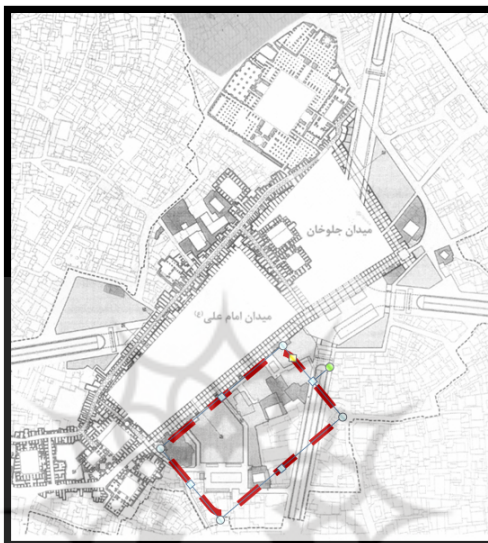
۱. بناهای حکومتی و اداری

دارالاماره، یکی از کاخ‌های مهم سلجوقی در اصفهان بوده است. در متون تاریخی، مافروخی اشاره کامل‌تری به این بنا کرده است؛ براساس نوشته‌های او، این مکان از دو بخش بارگاه سلطان و مجلس وزیران^۱ تشکیل شده بود. مجلس وزیران مجموعه‌ای وسیع و با شکوه بوده که در محوطه آن جایگاه‌های متعددی برای هر یک از مأموران دولتی تعبیه شده بود (آوی، ۱۳۸۵: ۸۷).

با توجه به مواردی همچون قرارگیری چنین عناصری در مجاورت میدان مرکزی شهرهای دوره سلجوقی (حبیبی، ۱۳۹۶: ۷۸-۷۷)، جایابی میدان مرکزی اصفهان عصر سلجوقی در مکان میدان کهنه یا امام علی امروزی (جعفری جبلی و شهابی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۴-۱۰۲؛ شفق، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۲؛ جاوری و علیان، ۱۳۹۵: ۱۰۷)، اشاره جهانگردان عصر صفوی به خرابه‌های کاخ‌هایی قدیمی در مجاورت میدان کهنه (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۰۲؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۲) و توصیف مافروخی از میدان به دنبال توصیف دارالاماره (آوی، ۱۳۸۵: ۷۹-۸۰)، به احتمال قریب به یقین، دارالاماره در کنار میدان عتیق امروزی قرار داشته است. با توجه به مواردی همچون اشاره شاردن به مناره‌ای به اسم خواجه اعلم^۲ در مجاورت ویرانه‌های قصر قدیمی، توضیحات متون عصر صفوی مبنی بر وجود

۱. این تقسیم‌بندی در دیگر دارالاماره‌های دوره اسلامی نیز قابل پیگیری است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۶۸).
۲. این مناره حدود یک سده پیش تخریب شده و به مسجد خواجه‌اعلم تعلق داشته است. مسجد خواجه‌اعلم امروزه در جبهه شرقی میدان عتیق قرار گرفته است (سروشیار، ۱۳۵۴: ۳۵).

محل‌های به نام تختگاه^۱ در حوالی امامزاده هارون ولایت (همایی، ۱۳۹۰: ۱۶۸ و ۱۸۹؛ Golombek, 1974: 29)، بنای دارالاماره احتمالاً در جبهه جنوبی میدان مرکزی اصفهان عصر سلجوقی قرار داشته است^۲ (نقشه ۱).



نقشه ۱: محدوده تقریبی دارالاماره سلجوقیان در کنار میدان عتیق (نگارندگان)^۳

در ارتباط با چگونگی سبک و پلان ساختمانی بنا، گلمبک به استناد نوشته‌های شاردن، آن را ساختمانی با چهار برج در چهار گوشه دانسته است (Golombek, 1974: 29)؛ حال آنکه نوشته‌های شاردن، توصیف یکی از کاخ‌های عصر صفوی است نه دارالاماره سلجوقی (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۰۱). بر این اساس، چنین نظری در ارتباط با ساختار شکلی بنا قابل قبول به نظر نمی‌رسد. با توجه به مواردی همچون رواج کاربست سبک چهار ایوانی در کاخ‌های هم‌عصر همچون کاخ سلجوقی مرو

۱. احتمالاً این نام‌گذاری یادآور محل قرارگیری کاخ عصر سلجوقی بوده است (جاوری، علیان، ۱۳۹۵: ۲۷؛ همایی، ۱۳۹۸: ۳۶۱؛ Golombek, 1974: 29).

۲. در پژوهش‌های انجام شده درباره میدان عتیق، به مکان‌یابی کاخ و مقر حکومتی سلجوقی در جبهه جنوبی میدان اشاره شده است (مثلاً Golombek, 1974: figure 4؛ شفقی، ۱۳۸۵: ۲۳۹ و ۲۳۰ و ۲۲۶؛ گلابی، ۱۳۹۰: ۱۰۷؛ جعفری‌جیلی و شهابی‌نژاد، ۱۳۹۵: نقشه ۲۰؛ تقوی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰).

۳. ماخذ نقشه میدان: جعفری‌جیلی و شهابی‌نژاد، ۱۳۹۵: نقشه ۳۲.

بازیابی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی | ۷

(هیلن براند، ۱۳۹۳: ۴۱۳-۴۱۲؛ اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۹۴: ۳۸۷؛ نقشه ۲) و کاخ غزنوی لشکری بازار (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۹۴: ۳۸۷) و نیز توجه خاص به سبک چهار ایوانی در اصفهان آن دوره که در مسجد جامع به‌خوبی تجلی‌یافته (جبل‌عاملی، ۱۳۹۲: ۴۴-۵۰) و همچنین توصیف‌های مافروخی، احتمالاً دارالاماره سلاجقه بنایی چهارایوانی با حیاط‌های چندگانه بوده است. به استناد نوشته‌های مافروخی (آوی، ۱۳۸۵: ۸۷) می‌توان دارالاماره را بیشتر مکانی به منظور امور اداری و رسمی قلمداد کرد تا مکانی برای سکونت حاکم و خاندان وی.

دیگر بنای این دسته، دارالخلافه ابوالفضل جعفر، نوه دختری سلطان ملک‌شاه سلجوقی و فرزند المقتدی خلیفه عباسی است. اختلاف میان خلیفه و دختر ملک‌شاه، موجب تیرگی رابطه او و سلطان سلجوقی شد، چراکه ملک‌شاه و ترکان خاتون می‌خواستند جعفر خلیفه بعدی شود تا به‌نوعی خلافت عباسی و امپراتوری سلجوقی در هم ادغام شود (باوفا و خوش‌نامی، ۱۳۸۹: ۳۶-۴۴). در منابع تاریخی آمده که ملک‌شاه و ترکان خاتون به‌منظور دشمنی با خلیفه، برای نوه خود دارالخلافه‌ای در اصفهان برپا کردند. به گفته نیشابوری این دارالخلافه پیش از مرگ ملک‌شاه ساخته‌شده بود (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۵)، اما راوندی می‌گوید که آنها «بر آن عزم بودند که در اصفهان به بازار لشکر اینجا که امروز مدرسه ملکه خاتون است دارالخلافه و حرمی بسازند» (۱۹۲۱: ۱۴۰). سخن راوندی در این باره کمی ابهام دارد. آیا این عزم به مرحله عمل هم رسیده بود؟ به نظر می‌رسد با توجه به سخن نیشابوری، دارالخلافه مذکور در آن زمان ساخته شده بود، اما شاید بعدها ترکان خاتون برای راضی کردن خلیفه و به سلطنت رساندن پسرش محمود، آن را خراب کرده باشد، چرا که در زمان تألیف *سلجوقنامه* و *راحه‌الصدور*، در محل آن مدرسه ملکه خاتون ساخته شده بود (راوندی، ۱۹۲۱: ۱۴۰؛ نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۵). مکان این دارالخلافه به قول راوندی در «بازار

۱. زیرا ترکان خاتون پس از فوت ملک‌شاه از خلیفه خواست تا برای سلطنت پسر خردسالش محمود خطبه بخواند و برای راضی کردن وی به انجام دادن این کار، جعفر را به بغداد نزد خلیفه برگرداند. بنابراین، احتمالاً ساختمان دارالخلافه نیز در همین زمان هدف خود را از دست داده و تخریب شده است (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۵)

لشکر» (راوندی، ۱۹۲۱: ۱۴۰) و به قول نیشابوری در «بازار اصفهان» واقع بوده است (۱۳۳۲: ۳۵). از محل دقیق این دو مکان اطلاعی در دست نیست، اما با توجه به اینکه بازار اصفهان در دوره سلجوقی در حوالی میدان عتیق بوده (جعفری جبللی و شهابی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۴-۱۰۲)، به نظر می‌رسد که مکان دارالخلافه جعفر نیز در مرکز شهر (حوالی میدان) و احتمالاً در نزدیکی دارالاماره بوده است.

۲. باغ‌های سلجوقی

۲-۱. باغ‌های سلطنتی و کاخ‌هایشان

در اصفهان دوره سلجوقی چهار باغ سلطنتی وجود داشته است. راوندی نام این چهارباغ را این‌گونه ذکر می‌کند: «و [ملکشاه] آنجا عمارت‌های بسیاری فرمود در شهر و بیرون شهر از کوشک‌ها و باغ‌ها چون باغ کاران و بیت‌الماء و باغ احمدسیاه و باغ دشت کور و غیر آن» (۱۹۲۱: ۱۳۲).

در کتاب *سلجوقنامه* نیز نام باغ‌ها به همین شکل ضبط شده است (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۲). مافروخی نیز از باغ‌های چهارگانه بیرون از باروی شهر با اسامی باغ فلاسان، باغ کاران، باغ احمدسیاه و باغ بکر (آوی، ۱۳۸۵: ۵۸-۴۹) یاد می‌کند که هر یک هزارجریب وسعت داشتند. از این نام‌ها، دو نام متفاوت از اسامی‌ای است که راوندی و نیشابوری ذکر کرده‌اند. اینکه فلاسان و بکر نام‌های دیگری برای بیت‌الماء و دشت گور بوده یا باغ‌های دیگری بوده‌اند، موضوعی نامشخص است. ویژگی باغ‌های یاد شده به شرح زیر است:

باغ فلاسان: به گفته مافروخی این باغ زیبا، نهرها و درختان میوه داشت و کاخی مشرف به آن بود. از توصیف‌های او این چنین برمی‌آید که این قصر، کاخی استوار^۱ و مزین به نقاشی دیواری بوده است (آوی، ۱۳۸۵: ۴۹). برخی محققان، خیابان چهارباغ امروزی (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۷۲؛ جمال‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۰۲)، برخی مکان آینده باغ هزارجریب (DurandGuédy, 2018: 261) و برخی نیز جلفای امروزی (نامداریان و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۴) را مکان قرارگیری فلاسان دانسته‌اند. با توجه به اطلاق نام آسیاب

۱. در کتاب *محاسن واژه مشید* به کار رفته است. برای معانی این واژه نک: (جمال‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

بازیابی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی | ۹

باغ پلاسان بر قسمت‌های از محله جلفا در نزد اهالی شهر، به احتمال زیاد مکان این باغ در حوالی جلفای امروزی و ساحل جنوبی زاینده‌رود بوده است (سروشیار، ۱۳۵۴: ۳۶؛ شجاع‌دل، ۱۳۸۶: تصویر ۱) (نقشه ۲).

باغ احمدسیاه: در منابع دوره سلجوقی ساخت این باغ به ملک‌شاه نسبت داده شده (راوندی، ۱۹۲۱: ۱۳۲؛ نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۲)، اما با توجه به وجه تسمیه و نیز اشاره به باغ در قصیده‌ای مربوط به قرن چهارم هجری^۱، واضح است که آن را احمدبن‌سیاه دشتی (عامل خراج اصفهان در قرن سوم) پیش از دوره سلجوقی ساخته بوده (مهدوی، ۱۳۸۶: ۱/ ۴۱۷؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۸؛ جمال‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۰۳). بنابراین ملک‌شاه را باید بازسازی‌کننده آن دانست. با توجه به نام محله‌های امروزی شهر، اتفاق نظر بر این است که در محله احمدآباد امروزی و در شرق جوباره قرار داشته (جابری انصاری، بی‌تا: ۴۰۸؛ همایی، ۱۳۹۸: ۲۴۳؛ Durand Guédy, 2018: 261).^۲ با توجه به اینکه مافروخی مکان باغ‌ها را بیرون شهر معرفی می‌کند، محتمل‌تر این است که این باغ در شرق فلکه احمدآباد امروزی قرار داشته و نه خود محله (نقشه ۲).^۳ در سندی مربوط به ۵۶۱ هجری در *المختارات من الرسائل* از این باغ با نام «باغ سیاه» یاد شده و همچنین به جویی [احتمالاً مادی فدن] اشاره شده که از محله لبنان می‌گذشته و آن را آبیاری می‌کرده است (بی‌نا، ۱۳۹۸: ۴۵۸ و ۵۷۲).^۴

باغ بکر: در این باغ، عمارت‌ها و کاخ‌های زیبا و استواری وجود داشته و در آن جوی‌ها و نهرهایی روان بوده است (آوی، ۱۳۸۵: ۵۰). در شعری از مافروخی این باغ در کنار مکان‌هایی چون قصر مغیره، جسر حسین و خندق توصیف شده است (۱۴۳۱: ۱۱۲).^۵

۱. این قصیده از ابوسعید رستمی شاعر عربی‌سرای (قرن چهارم هجری قمری) دربار صاحب‌بن‌عباد است (آوی، ۱۳۸۵: ۵۸).

۲. رفیعی‌مهرآبادی (۱۳۵۲: ۶۶)، جمال‌الدین (۱۴۰۰: ۱۰۳) نیز نامداریان و همکاران (۱۳۹۵: ۲۲۴) بدون ارائه دلیل خاصی به ترتیب آن را در قسمت‌های غربی شهر، بر کنار زاینده‌رود و محله عباس‌آباد، منطبق با خیابان عباس‌آباد امروزی می‌دانند.

۳. چراکه احمدآباد امروزی در داخل باروی شهر قرار می‌گرفت (شجاعی‌اصفهانی، ۱۳۹۳).

۴. مصححین *المختارات من الرسائل* این دو باغ را منطبق با یکدیگر دانسته‌اند (بی‌نا، ۱۳۹۸: ۵۷۲).

۵. الی جسر حسین فیباغ بکر فقصر مغیره فقناه الخندق.

نامداریان و همکارانش باغ بکر را در جای محله بیدآباد در غرب شهر دانسته‌اند (۱۳۹۵: ۲۲۴). باتوجه به آنکه براساس نوشته‌های ثعالبی، جسر حسین همان پل شهرستان امروزی بوده (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۰) و اراضی محله خواجهوی اصفهان در اسناد قدیم، باغ بکر نوشته می‌شده (همایی، ۱۳۹۸: ۲۱۵)، برخلاف نظر محققان پیش‌گفته، مکان باغ بکر در سمت جنوب شرقی شهر در دوره سلجوقی و حدفاصل اصفهان (یهودیه) و شهرستان (جی) بوده است (نقشه ۲).

باغ کاران: در بین این باغ‌های چهارگانه، باغ کاران شهرت بیشتری داشته و حتی تا چندین قرن پس از سلاجقه نیز باقی مانده بود. به طوری که شعرای مشهور دوره‌های بعد همچون حافظ^۱ و خواجه کرمانی^۲ نیز از آن یاد کرده‌اند (بنگرید به آوی، ۱۳۸۵: ۱۷۱ و ۱۳۱ و ۵۳ و ۵۱). از توصیفات مافروخی برمی‌آید که باغ کاران دو کاخ داشته است؛ یکی مشرف به زاینده‌رود و دیگری مشرف به شهر و شارع میدان (آوی، ۱۳۸۵: ۵۱). احتمالاً شارع میدان راهی در جهت شمال شرقی- جنوب غربی بوده (گلابی، ۱۳۹۰: ۱۰۶) که به دروازه جنوبی^۳ شهر منتهی می‌شده است (Golombek, 1974: 38). مشابه این توصیف در باغ‌های صفوی اصفهان نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که شاردن در توصیف باغ‌های اطراف چهارباغ، هرکدام از آنها را دارای دو کاخ می‌داند که یکی بزرگتر و در میانه باغ و دیگری بر فراز سردر باغ قرار داشته^۴ و به خیابان مشرف بوده است (شاردن، ۱۳۷۹: ۱۱۸). از این رو، شاید بتوان یکی از الگوهای باغ‌های صفوی اصفهان را باغ‌های از میان‌رفته سلجوقی دانست. از دیگر عناصر باغ به جوی‌های آب، چمن‌زارها، گلزارها، درخت‌ها و همچنین میدان گوی (میدان چوگان) باید اشاره کرد (آوی، ۱۳۸۵: ۵۲-۵۱).

۱. گرچه صد رود است در چشمم مدام / زنده رود و باغ کاران یاد باد

(غزل ۱۰۳ حافظ شیرازی از نرم‌افزار گنجور)

۲. راستی را در سپاهان خوش بود آواز رود / در میان باغ کاران یا کنار زنده رود

(غزل ۴۲۹ خواجه کرمانی از نرم‌افزار گنجور)

۳. منظور دروازه حسن‌آباد در انتهای بازارچه حسن‌آباد است.

۴. منظور کاخ دروازه‌هایی است که تعدادی زیادی از آنها در اصفهان دوره صفوی وجود داشته است. عالی‌قاپو از نمونه‌های شاخص برجای مانده از این فضاها محسوب می‌شود. این الگو در برخی باغ‌های دوره قاجار همچون باغ شاهزاده ماهان نیز تداوم داشته است.

با توجه به جای‌نام‌های امروزی می‌توان گفت که باغ کاران از محله ترواسکان (تلواسکان) در جنوب قلعه طبرک شروع می‌شده و تا محله خواجوی امروزی و ساحل زاینده‌رود ادامه داشته است (هنرفر، ۱۳۵۰ ب: ۵۷؛ الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۷۳؛ همایی، ۱۳۹۸: ۳۶۲؛ نام‌داریان و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۴؛ جمال‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۰۱؛ DurandGuédy, 2018: 312,253) (نقشه ۲). مادی نیاصرم که آب مورد نیاز برای آبیاری باغ را تأمین می‌کرده (نام‌داریان و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۱۳)، امروزه تنها اثر باقی مانده از این باغ است.

باغ نقش جهان: افزون بر این چهار باغ، به باغی در محل میدان نقش جهان امروزی نیز باید اشاره کرد. به این باغ در منابع سلجوقی اشاره‌ای نشده، اما تعدادی از محققان، احداث اولیه یا استفاده از آن را در دوره سلجوقی دانسته‌اند (هنرفر، ۱۳۵۰ الف: ۳؛ جمال‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۰۱؛ دیوران‌دگدی، ۱۳۹۵: ۷۸؛ 31: Golombek, 1974) این باغ احتمالاً از محله درب کوشک تا میدان نقش جهان را در برمی‌گرفته است (همایی، ۱۳۹۸: ۲۹۸-۲۹۹) (نقشه ۲). به‌رغم نبودن نام باغ مذکور در منابع دوره سلجوقی، مدارکی وجود دارد که وجود بناها و تفرجگاه‌های سلطنتی سلجوقی را در این محل محتمل نشان می‌دهد. مثلاً، اطلاق نام کوشک (به معنی قصر و کاخ) به محله‌ای در حدود میدان نقش جهان امروزی که یکی از چهار محله مشهور شهر در قرون میانی اسلام بوده (لسترنج، ۱۳۹۳: ۲۲۱) و همچنین اشاره به مکانی به نام کوشک‌میدان در متون دوره سلجوقی (راوندی، ۱۹۲۱: ۱۴۳) که احتمالاً بنای اولیه میدان نقش جهان^۱ بوده (هنرفر، ۱۳۵۰ الف: ۳) و برای تفریح شاهان سلجوقی استفاده می‌شده است. براساس کاوش‌های باستان‌شناختی مشخص شده است که بخش عمده‌ای از این قسمت شهر (جنوب مسجد حکیم و میدان نقش جهان) به‌رغم قرارگیری در داخل بارو (ر.ک. شجاعی‌اصفهانی، ۱۳۹۳)، بدون ساخت و ساز بوده (تقوی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۷) که این خود فرضیه وجود باغ‌های سلطنتی را محتمل می‌کند. البته این بدان معنی نیست که ساخت باغ در دوره سلجوقی انجام شده باشد، زیرا موجودیت محله کوشک به استناد

۱. گلمبک نیز زاویه قرارگیری مسجد شاه و مسجد شیخ لطف‌الله به میدان نقش جهان را به الگوهای شهری پیش از صفوی نسبت می‌دهد (Golombek, 1974, p18).

نام یکی از بزرگان^۱ اصفهان که پسوند کوشکی داشته، حداقل تا قرن سوم هجری قابل پیگیری است. بر این اساس دوره ساخت این باغ به قبل از دوره سلجوقی می‌رسد.



نقشه ۲: نقشه شهر اصفهان و باغ‌های سلطنتی آن در دوره سلجوقی بر روی نقشه اصفهان امروز (ماخذ: google earth با تغییرات نگارندگان)

— حدود شهر اصفهان در دوره سلجوقی (براساس شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳)

۲-۲. باغ‌های اختصاصی درباریان و ثروتمندان شهر

در مبایعه‌نامه‌ها و تعهدنامه‌های موجود در کتاب *المختارات من الرسائل*، به برخی باغ‌های سلجوقی متعلق به بزرگان شهر و وابستگان دربار در حومه اصفهان اشاره شده

۱. نام این شخص ابراهیم باب کوشکی بوده که در قرن سوم هجری می‌زیسته است. ر.ک: (مهدوی،

بازیابی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی | ۱۳

که از آن جمله‌اند باغ‌های سنده (بی‌نا، ۱۳۹۸: ۵۳)، میمون (همان، همانجا)، کمال ابوالمعالی (همان: ۴۳۹ و ۴۳۳-۴۳۴)، محمدبن‌ابی‌عبدالله (همان: ۴۳۹)، نجم‌الدین ابوالمعالی طبری (همان، همانجا) در دهکده طهران و باغ‌های رزق^۱ (همان: ۴۶۰-۴۵۸ و ۴۵۳-۴۵۲)، ابوالفضایل صراف (همان: ۴۵۸) و صلاح خاتون نجمیه در لنبان (همان، همانجا). در باره ساختار شکلی باغ‌های یاد شده توصیفی نیامده، با وجود این، دهکده طهران و لنبان به‌عنوان مکان قرارگیری آنها معرفی شده است. سمعانی از جمله افرادی است که در دوره سلجوقی به وجود دهکده‌ای به نام طهران در کنار دروازه اصفهان اشاره کرده (السمعانی، ۱۳۸۲: ۱۰۳/۹؛ جعفریان، ۱۳۷۷). همچنین در طومار شیخ بهایی از مادی طهران یاد شده است (شیخ بهایی، ۱۳۰۷: ۸). با توجه به وجود محله‌ای به نام تیران و آهنگران^۲ در محدوده شمالی شهر اصفهان که مادی مخصوص به خود را داشته و وجه تشابه اسمی و مکانی تیران با طهران، به احتمال قریب به یقین، دهکده طهران در مکان محله تیران و آهنگران امروزی قرار داشته است^۳. لنبان نیز که مکان قرارگیری تعدادی از این باغات معرفی شده، امروزه نام یکی از محله‌های غربی اصفهان است. این مکان در دوره سلجوقی بیرون از حصار شهر قرار داشته است (آوی، ۱۳۸۵: ۷۹).

۳. کاخ‌های پراکنده اطراف شهر

مراجعه به متون نشان می‌دهد که در دوره سلجوقی (مافروخی، ۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲) و پیش از آن (ر.ک: ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۰۷)، کاخ‌های متعددی در حومه اصفهان وجود داشته است. در ادامه، نمونه‌هایی از این باغ‌های دوره سلجوقی شرح داده می‌شود.

۱. این باغ را با تمام ملحقاتش در جمادی‌الاول ۵۶۱ ه.ق زینب‌خاتون فرزند سلطان محمود سلجوقی در ازای هزار دینار زر درست اصفهانی به سید نجم‌الدین مرعشی فروخته است (بی‌نا، ۱۳۹۸: ۴۶۰-۴۵۸).
۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک: (سروشیار، ۱۳۵۴: ۳۵).
۳. سروشیار و گلایی نیز تهران ذکر شده در متون این دوره را با تیران و آهنگران منطبق می‌داند (سروشیار، ۱۳۵۴: ۳۶؛ گلایی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

قصر فرقد^۱: مافروخی مکان آن را بر در شهر ذکر کرده (۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲) و جابری انصاری دروازه درب کوشک (یکی از دروازه‌های یهودیه) را مکان قرارگیری آن دانسته است (بی تا: ۴۰۸). با توجه به اطلاق واژه «مدینه» به مکان قرارگیری این کاخ - که در آن دوره برای شهر جی به کار می‌رفته (شجاعی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۵۹)، برخلاف نظر جابری انصاری، این مکان در نزدیکی شهر جی قرار داشته است.

قصر هارون: این قصر هفت دروازه‌ای، در منطقه‌ای به نام دیمیرتیان قرار داشته است (مافروخی، ۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲). در حال حاضر دو مکان مشابه این نام در اصفهان وجود دارد؛ یکی دهمرتیان واقع در بلوک جی و در نزدیکی خوراسگان (جابری انصاری، بی تا: ۴۰۸؛ همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۰) و دیگری دیمیرتیان^۳ که در محله فروشان خمینی شهر امروزی (هنر فر، ۱۳۵۰: ۱۷۰) قرار گرفته است.

قصر خصیب: این کاخ در نزدیکی جسر حسین قرار داشته (مافروخی، ۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲) که با پل شهرستان تطابق دارد. احتمال دارد این کاخ از ساخته‌های شخصی به نام خصیب بن سلم (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۷) باشد؛ وی از مأموران حکومتی اصفهان در قرن سوم هجری بوده که نقش قابل توجهی در توسعه مسجد جامع اصفهان داشته است (آوی، ۱۳۸۵: ۸۹؛ همایی، ۱۳۹۸: ۴۴). چنانچه وی سازنده این قصر دانسته شود، بنا در قرن سوم هجری ساخته شده و تا دوره سلجوقی پابرجا بوده است.

قصر صخر بن سدوس: مافروخی مکان این قصر را طهران یا طیران معرفی می‌کند (۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲). این مکان چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، با محله تیران و آهنگران امروزی مطابقت دارد. احتمال دارد که سازنده این بنا جد محدثی به نام

۱. این قصر احتمالاً به فرقد پدر غالب بن فرقد، ابراهیم بن فرقد و یحیی بن فرقد تعلق داشته که در قرن دوم هجری می‌زیسته است (همایی، ۱۳۹۸: ۳۴۵). وی از اعراب قبیله بنی تیم بوده که در قرن اول هجری در اصفهان سکونت داشته‌اند (همان: ۴۴۵).

۲. یکی از کاتبان سلطان حسین صفوی از اهالی این روستای بلوک جی بوده است (مهدوی، ۱۳۸۶: ۸۳). (۳۲)

۳. گفته استاد هنر فر در منطقه ماربین و در اراضی فروشان، قناتی به نام دیمیرتیان وجود دارد که خیلی قدیمی و پرآب است و افراد محلی افسانه‌های زیادی درباره ساخت آن می‌گویند.

محمدبن محمدبن صخر بن السدوس التیمی، از اهالی طهران و درگذشته به سال ۲۶۸ هجری (ابوشیخ انصاری، ۱۴۰۷: ۲۸؛ همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۱) باشد. براین اساس، قصر یاده شده احتمالاً در قرون اولیه اسلامی ساخته شده و تا دوره سلجوقی استفاده می‌شده است.

قصر عبدویه بن حبه: به گفته مافروخی، این قصر در ساحل زاینده‌رود قرار داشته است (۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲). احتمالاً همچون قصرهای صخر، فرقد و خصیب، این بنا نیز به یکی از اشراف عرب قرون اولیه اسلامی تعلق داشته و تا دوره سلجوقی استفاده می‌شده است.

قصر کوهان: به گفته‌های مافروخی، این قصر در منطقه ماریین قرار داشته است (۱۴۳۱: ۱۰۶؛ آوی، ۱۳۸۵: ۵۲). با توجه به وجه تسمیه، احتمالاً مکان قرارگیری بنا در کوهانستان (مهریار، ۱۳۸۲: ۶۵۲) بوده که امروزه بر سر راه اصفهان به نجف‌آباد در منطقه ماریین واقع شده است.^۱

قصر دروازه آسیاب نصرویه: مافروخی در انتهای فهرست قصرها، از جایی با عنوان «باب رحی نصرویه بفنادشته» یاد می‌کند (۱۴۳۱: ۱۰۶) که به نظر می‌رسد منظور از آن قصری بوده است. همایی دردشت را محل احتمالی آن می‌داند (همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۱). حال آنکه در دوره سلجوقی، دردشت در محدوده داخلی دیوار شهر قرار داشته است. با توجه به ذکر نام این مکان در وقف‌نامه‌ای (عابدی، ۱۳۸۳: ۶۵) متعلق به قرون سوم و چهارم هجری، این قصر در حومه شهر جی و نزدیکی زاینده‌رود قرار داشته است. با توجه به دوره زمانی وقف‌نامه، این بنا متعلق به دوران قبل از سلجوقی بوده و در دوره سلجوقی نیز وجود داشته است.

کوشک هفت هلکه: این کاخ را رکن‌الدوله خمارتگین بر ویرانه‌های سارویه اصفهان ساخته بود (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۲۹؛ جمال‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۰۴). با توجه به مکان قرارگیری سارویه^۲، قصر مذکور در خارج از محدوده شهری اصفهان سلجوقی و در

۱. همایی از این مکان با نام کوهان در ماریین یاد می‌کند (همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۱).

۲. بنا بر نوشته‌های متون تاریخی قرون اولیه اسلامی، سارویه از بناهای کهن و اسرارآمیز اصفهان بوده که به واسطه پیدایی نوشته‌های پیش از اسلام شهرت بسیار یافت. براساس پژوهش‌های انجام شده،

نزدیکی پل شهرستان قرار داشته است.

کوشک طغیره: مافروخی در قسمت مربوط به متفرجات نزدیک شهر از مکانی به نام کوشک طغیره یاد می‌کند که در نزدیکی زاینده‌رود قرار داشته است (آوی، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۹).

قصر ابن خارجه: در ابیاتی از سید فضل‌الله راوندی، شاعر قرن ششم هجری، از این قصر سخن به میان آمده و گویا در نزدیکی جسر حسین (پل شهرستان) قرار داشته است (همایی، ۱۳۹۸: ۳۵۲). با توجه به نوشته‌های مافروخی (آوی، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۱۸)، احتمالاً ابن خارجه، یکی از رؤسا و کدخدایان اصفهان در قرن چهارم هجری بوده است. طبق این ابیات، قصرهای زیبای دیگری نیز در حوالی این بنا وجود داشته است.

به نظر می‌رسد بیشتر کاخ‌های یاد شده را برخی خاندان‌های صاحب نفوذ (برای نمونه خاندان بنی‌تیم، آل خصیب و ...) در دوره‌های پیش از سلجوقی ساخته بودند و در دوره سلجوقی کماکان مورد استفاده نوادگان این خاندان‌ها بوده است.^۱ احتمالاً همان‌گونه که پیش‌تر نیز سابقه داشته است،^۲ برخی از بناهای یاد شده به تملک رجال حکومتی دربار سلجوقی درآمده باشند. با توجه به مواردی همچون روحیات ایلی، سبک زندگی مبتنی بر کوچ‌نشینی و جابه‌جایی فصلی حکام سلجوقی (هیلن‌براند، ۱۳۹۳: ۳۴۶-۳۴۵) و بی‌میلی آنها به زندگی در محدوده شهری اصفهان سلجوقی برخلاف دیوان‌سالاران ایرانی (DurandGudy, 2011: 212, 2018: 261؛ دیوران‌گدی، ۱۳۹۵: ۷۶-۷۹)، شاید تعدادی از این کاخ‌ها مورد استفاده حاکمیت و دربار سلجوقی بوده است.

سارویه در خارج از باروی جی قرار داشته است. ر. ک: (ریاحی، ۱۳۸۰: ۵۷؛ شجاعی‌اصفهانی، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۷)

۱. بزرگان زیادی از این خاندان‌ها در اصفهان عصر سلجوقی می‌زیسته‌اند... ر. ک: (مهدوی، ۱۳۸۶: ۴۰۰/۱ و ۴۲۶ و ۴۵۷ و ۴۷۱/۲ و ۷۰۹).

۲. برای نمونه در دوره زیاری، مرداویج در کاخ‌های ابن‌ابودلف و ابوعلی رستمی اقامت داشت (فروزانی، ۱۳۸۵: ۳۵۴).

رتال جامع علوم انسانی

۴. خانه‌های اعیانی بزرگان و درباریان

انتخاب اصفهان به پایتختی سلاجقه، موجب حضور طیف وسیعی از نخبگان امپراتوری در اصفهان شد. قطعاً حضور این افراد، موجب ساخت ساختمان و خانه‌های مجلل در شهر شده است؛ بناهایی همچون خانه خواجه نظام‌الملک طوسی^۱ و خانه‌ها و بناهای تشریفاتی که به دست خاندان خجندی^۲ ساخته شده بود (بنداری، ۱۳۵۶: ۱۶۶). با توجه توضیحات مافروخی (آوی، ۱۳۸۵: ۸۰)^۳ و قصیده‌ای از معزی^۴ (۱۳۱۸: ۲۴۷، ۲۴۹، ۶۸۶)، بناهای یاد شده، کاخ‌هایی تمام عیار بوده و در محلات اعیان نشین قرار داشته‌اند.^۵ این بناهای وسیع با خدم و حشم بسیار، از حیاطی پر درخت با ایوان بلند مشرف بر آن و رواق‌هایی دورتادور حیاط، اتاق‌ها و تالارهای متعدد با تزئینات پرکار پیکره‌ای، طلاکاری و نقاشی دیواری و حمام‌های زیبا و اصطبل‌های وسیع تشکیل می‌شده است.^۶

۱. براساس نوشته‌های متون، بعد از انتخاب اصفهان به پایتختی، خواجه نظام‌الملک به همراه خانواده خود به اصفهان نقل مکان کرد و در محله خوشینان خانه‌ای ساخت. ر.ک: (کسائی، ۱۳۶۳: ۲۲۰؛ بی‌نا، ۱۳۹۸: ۴۶۵).

۲. این خاندان به دعوت خواجه نظام‌الملک به اصفهان نقل مکان کرده و بناهای تشریفاتی متعددی ساخته بودند (کجباف، ۱۳۹۴: ۱۴۳-۱۴۲).

۳. رفیعی مهرآبادی در پژوهش خود، از مجموعه خانه‌هایی که مافروخی توصیف کرده، با عنوان عمارات ملکشاهی یاد کرده است (۱۳۵۲: ۸۹).

۴. وی از شاعران دربار سلجوقی بوده است.

۵. چنین موضوعی در بغداد عصر سلجوقی نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که برخی محلات آن ویژه سکونت طبقه اعیان شهر بوده است. ر.ک (وان رنتگم، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۹۴).

۶. به نظر می‌رسد برخی از این بناها تا دوره صفوی برجای بوده‌اند، از جمله خانه پزشک ملکشاه سلجوقی که شاردن اشاره می‌کند (شاردن، ۱۳۷۹: ۹۵). امروزه دو بنا در اصفهان به‌عنوان بازمانده‌ای از خانه‌های مذکور معرفی شده که با توجه به اختلافات موجود در ارتباط با گاه‌نگاری و کاربری آنها و نبود مدارک قابل استناد در این رابطه، از اشاره به آنها صرف‌نظر شد. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: (تحویلدار، ۱۳۸۸؛ همایی، ۱۳۹۸: ۳۶۰-۳۵۹؛ ریاحی، ۱۳۹۲: ۲۶؛ هنرفر، ۱۳۵۰: ۷۱؛ کجباف، ۱۳۹۴: ۹۰).

نتیجه‌گیری

اگرچه امروزه اثری از کاخ‌ها، بناها و باغ‌های سلطنتی اصفهان عصر سلجوقی بر جای نمانده، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که چنین ساختارهایی در اصفهان آن عصر وجود داشته است. با توجه به مواردی همچون هویت مالکان، شمول، نوع کاربری، مکان‌قراگیری و گونه‌ها، فضاها یاد شده به چهار دسته: بناهای حکومتی و اداری، باغ‌های سلطنتی و خصوصی، کاخ‌های حومه‌ای متعلق به اعیان شهری و منازل اعیانی درون شهری تقسیم می‌شود. حجم وسیعی از کاخ‌ها و بناهای اعیانی این دوره به وزراء، درباریان و خاندان‌های با نفوذ شهر تعلق داشته است. چنین موضوعی افزون بر آنکه نشان‌دهنده قدرت و اعتبار این طبقه است؛ آنچنان‌که یکی از محلات اعیانی شهر به سکونت آنها اختصاص داشته، از رسوم کهن و زندگی پیشین حکمرانان سلجوقی نیز نشان دارد؛ چنان‌که محققانی همچون دیورانگدی و هیلن براند به آن اشاره کرده‌اند. این رسوم و آداب که بر مبنای زندگی کوچ‌نشینی و اقتصاد شبانی بوده، سیار بودن دربار و تمایل نداشتن به سکونت در شهر را در پی داشت. بر همین اساس، از دو کاخ حکومتی شناسایی شده، فقط یکی (دارالاماره) به کارهای اداری، دیوانی، مراسم خاص و بار عام سلطان اختصاص داشت و دیگری (دارالخلافة جعفر) بنا بر اهداف سیاسی برپا شده بود. توجه به ساخت باغ‌های سلطنتی در بیرون از حصار شهر، از دیگر مصادیق تمایل نداشتن خاندان سلطنتی به سکونت در محدوده شهری اصفهان بوده است؛ روندی که در باغ‌سازی و کاخ‌سازی دیگر خاندان‌های وابسته به دودمان سلجوقی در این شهر نیز دیده می‌شود. باغ در مجموعه کاخ‌های اصفهان سلجوقی اعم از بناهای سلطنتی و بناهای اعیانی (خصوصی)، جایگاه ویژه و شایسته‌ای داشته و به نظر می‌رسد در مقایسه با خود باغ، کاخ‌های موجود در آن اهمیت ثانوی داشته‌اند. عمده کاخ‌ها به صورت کوشک بوده و از آرایه‌های پرکار پیکره‌تراشی، نقاشی دیواری و طلاکاری بهره می‌جسته‌اند. تعلق بسیاری از نمونه‌ها به دوره‌های قبل و تداوم کاربری آنها در دوره سلجوقی، نشان‌دهنده تأثیرگذاری سنت‌های پیشین باغ‌سازی و کاخ‌سازی اصفهان در مکان‌گزینی و ساختار شکلی این نمونه‌ها بوده است.

منابع

- ابن بلخی (۱۳۸۵)، *فارسنامه*، به تصحیح و تحشیه رینولد ال. نیکلسون، تهران: اساطیر.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل ایران در صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابوشیخ انصاری، عبدالله بن محمد (۱۴۰۷)، *طبقات محدثین باصهبان و والوردین علیها*، در اسه و تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین بلوشی، بیروت: مؤسسه الرساله.
- اتینگهاوزن، ریچارد و اولک گرابار (۱۳۹۴)، *هنر و معماری اسلامی ۱*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
- السمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲)، *الانساب*، بتحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و غیره، حیدرآباد: دایره المعارف العثمانیه.
- آوی، حسین بن محمد (۱۳۸۵)، *ترجمه محاسن اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- باوفا، ابراهیم و علی خوش نامی (۱۳۸۹)، «بررسی تعاملات سیاسی سلاجقه بزرگ در قبال دستگاه خلافت عباسی (طغرل تا برآمدن برکیارق)»، *فصلنامه تاریخ*، دوره ۵، شماره ۱۹: صص ۴۷-۲۵.
- (۱۳۹۸)، *المختارات من الرسائل*، به کوشش غلامرضا طاهر و ایرج افشار، تهران: دکتر محمود افشار.
- بنداری، فتح بن علی (۱۳۵۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی زبده النصره و نخبه العصره*، تحقیق محمدحسین جلیلی کرمانشاهی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تحویلدار، میرزا حسین خان (۱۳۸۸)، *جغرافیای اصفهان*، به کوشش الهه تیرا، تهران: اختران.
- تقوی، عابد و مجید گلایی و بهزاد اصغری (۱۳۹۳)، «بررسی نقش گرایش‌های مذهبی در شکل‌گیری و گسترش شهر اصفهان از عصر خلافت عباسی تا پایان حکومت سلجوقی»، پژوهش‌های تاریخی، شماره ۲۱، صص ۷۱-۸۴.
- جابری انصاری، محمدحسن (بی تا)، *تاریخ اصفهان و ری و همه جهان*، بی جا: حسین عمادزاده.
- جاوری، محسن و علمدار علیان (۱۳۹۵)، *باستان‌شناسی میدان عتیق*، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- جبل عاملی، عبدالله (۱۳۹۲)، «تاریخ تحولات مسجد جامع اصفهان»، *فصلنامه علمی هنری اثر*، شماره ۶۱، صص ۲۹-۶۶.

- جعفری جبلی، حسین و علی شهابی نژاد (۱۳۹۵)، *میدان‌های شهری تاریخی*، اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۷)، «یادی از محلات و روستاهای اصفهان در آثار عبدالکریم سمعانی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳)، *تاریخ ایران از آغاز اسلام تا پایان صفویان*، تهران: نشر علم.
- جمال‌الدین، غلامرضا (۱۳۹۶)، *تاریخ باغ و باغ‌سازی در ایران*، تهران: روزنه.
- حبیبی، محسن (۱۳۹۶)، *از شار تا شهر*، تهران: دانشگاه تهران.
- دیوران‌دگدی، دیوید (۱۳۹۵)، «تاریخ اصفهان دربارهٔ جامعه ایران عصر سلجوقیان به ما چه می‌گوید؟»، در سلجوقیان ویراستهٔ ادموند هرتسیگ و سارا استوارت، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز.
- راوندی، محمدبن‌علی (۱۹۲۱)، *راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق*، به تصحیح محمد اقبال، لیدن: بریل.
- رحمان پور، ناهید (۱۳۹۳)، «تأثیر فرهنگ قومی بر مبلمان سلجوقی»، *باغ نظر*، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صص ۷۶-۶۷.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، *آثار ملی اصفهان*، تهران: انجمن آثار ملی.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۸۰)، «سارویه اصفهان»، *فرهنگ اصفهان*، شماره ۲۱، صص ۶۲-۵۶.
- ریاحی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «جستارهایی از تاریخ وقف در ایران به‌ویژه اصفهان (با تکیه بر نوشته‌های عبدالحسین سپنتا)»، *وقف میراث جاویدان*، دوره ۲۱، شماره ۸۴، صص ۶۲-۱۷.
- سروشیار، جمشید (۱۳۵۴)، «حاشیه‌ای بر یک کتاب آثار ملی اصفهان تألیف ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی»، *نگین*، شماره ۱۲۷، صص ۴۰-۳۴.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۵)، «موقعیت مساجد جامع و ارتباط آنها با سایر فضاهای مهم در شهرهای تاریخی»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۳۷۶-۳۶۳.
- شاردن، ژان (۱۳۷۹)، *سفرنامهٔ شاردن (قسمت اصفهان)*، ترجمهٔ حسین عریضی، اصفهان: گلها.
- شجاع‌دل، نادره (۱۳۸۶)، «سیر تحول معماری در جلفای اصفهان»، *پیمان*، شماره ۴۰.
- شجاعی اصفهانی، علی (۱۳۹۳)، «مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی اصفهان و جابه‌جایی مرکز قدرت تا برآمدن سلجوقیان»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۷۶-۵۷.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۵)، *بازار بزرگ اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.

بازیابی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی | ۲۱

شیخ بهایی (۱۳۰۷)، *طومار شیخ بهایی*، اصفهان: دایرة املاک و اسناد اصفهان.
عابدی، محمدمامین (۱۳۸۳)، «متن وقف‌نامه احمدبن محمدبن رستم»، وقف میراث جاویدان،
شماره ۴۶: صص ۶۳-۷۵.

علیزاده مقدم، بدرالسادات و ملیحه زمانی (۱۳۹۶)، «بررسی وضعیت اقتصادی و تجاری
اصفهان در دوره سلجوقی»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، دوره ۵، شماره ۲،
صص ۱۵۲-۱۳۷.

فروزانی، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «اوضاع سیاسی اصفهان در قرون نخستین هجری»، مجموعه
مقالات کنگره بزرگداشت اصفهان، به کوشش فضل‌الله صلواتی، تهران: *اطلاعات*.
کجباف، علی‌اکبر (۱۳۹۴)، *اصفهان در دوره سلجوقیان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی
شهرداری.

کسائی، نورالله (۱۳۶۳)، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آنها*، تهران: امیرکبیر.
کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: خوارزمی.
گلایی، مجید (۱۳۹۰)، *شهرسازی اصفهان از دوره ساسانی تا پایان دوره سلجوقی*، پایان‌نامه
کارشناسی ارشد، به راهنمایی جواد نیستانی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
لسترنج، گای (۱۳۹۳)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان،
تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

مافروخی، مفضل‌بن سعد (۱۴۳۱)، *محاسن اصفهان*، بتحقیق عرف‌احمد عبدالغنی، دمشق: دار
کنان.

معزی، محمدبن عبدالملک (۱۳۱۸)، *دیوان امیرالشعرا محمدبن عبدالملک نیشابوری* متخلص به
معزی، به اهتمام عباس اقبال، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۶)، *اعلام اصفهان*، تصحیح، تحقیق و اضافات غلامرضا نصراللهی،
اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.

مهریار، محمد (۱۳۸۲)، *فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان*، اصفهان: فرهنگ مردم.
نامداریان، احمدعلی و مصطفی بهزادفر و سمیه خانی (۱۳۹۵)، «نقش شبکه مادی‌ها در
تحولات سازمان فضایی اصفهان از آغاز تا پایان دوره صفوی»، *مطالعات معماری ایران*،
شماره ۱۰، صص ۲۲۸-۲۰۷.

نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، *سلجوق‌نامه*، تهران: خاور.
وان رنترگم، وانسا (۱۳۹۵)، «بغداد: نگاهی از لب مرز به شاهنشاهی سلجوقی»، در *سلجوقیان*
ویراسته ادومند هرتسیگ و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز.

- همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۰)، *تاریخ اصفهان مجلد ابنیه و عمارات (تممه)*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات علوم فرهنگی.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۸)، *تاریخ اصفهان مجلد جغرافیای اصفهان*، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هنر فر، لطف‌الله (۱۳۵۰ الف)، «میدان نقش جهان»، *هنر و مردم*، شماره ۱۰۵، صص ۲۸-۲.
- هنر فر، لطف‌الله (۱۳۵۰ ب)، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان: ثقفی.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۹۳)، *معماری اسلامی*، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.



List of Sources with English Handwriting:

- Bavafa Ebrahim; Khoshnami ali (1389 Š), Consideration political positions of great saljogian in face of abbasian succession (togrol until barkiarag), Faşlnāme-ya Tārīk, 5, 19: 25-47
- ‘Ābedīnī, Moḥammad Amīn (1383 Š), Matn-e vaqf-nāmeḥ-ye Aḥmad b. Moḥammad b. Rostam, Vaqf Mīrāt Javīdān, 46: 63-75.
- Abū Šeyk Anšārī, Abdollāh b. Moḥammad (1407 Q), Tabaqāt Mohadeḥīn be Eşbahān va al-vāredīn ‘alayhā, edited by Abdolḡafūr Abdolḡafūr Ḥosein Balūšī, Beirut: Mo’assese Al-Resālat
- Alizadeh Moghaddam Badr al sadat, Zamani Malihe (1396 Š), Analysis of the economic and commercial situations of esfahan in saljukid era, Pažūheşhā-ye tarīkha-ye mahalī Iran, 5, 2: 137-152
- Al-Moktārāt men al-rasa’el (1398 Š), edited by Gholamreza Taher and Iraj-e Afshar, Tehrān: Mahmud Afşār
- Al-Sam’ānī, Abdolkarīm (1382 Q), Al-Ansāb, edited by Abdolrahman b. yahya Al-Mo’ālemī Al-Līmānī, Heydar Ābād, Dāyerat al-ma’āref Al-Oṭmānī
- Avi, Hosein b. Mohammad (1385 Š), Tarjome-ye Mahāsen-e Eşfahān, Esfahan: Sāzmān-e farhangī va tafīrī-ye šahrdārī-ye Eşfahān
- Bondārī, Faḥ b. ‘Alī (1354 Š), Tārīk selsele-ye Saljuqī, Mohammad Hosein Jalili Kermanshahi, Tehran: Bonyād-e farhang-e Iran
- Cardin, Jean (1379 Š), Safarnāmeḥ-ye Chardin (qesmat-e Eşfahān), Tranlated by Hosein Orayzī, Eşfahān: Golhā
- Durand-Guedy, David (1395 Š), What does the history of Isfahan tell us about Iranian society during the Seljuk period?, in Edmund Herzig, Sarah Stewart (eds), The Age of Seljuqs, translation by Kāzem Fīrūzmand, Tehran: Naşr-e Markaz: 75-94
- Durand-Guédy, D. (2011). “Where did the Saljuqs live? A case study based on the reign of sultan Mas’ūd b. Moḥammad (1134-1152),” *Studia Iranica*, 42, p. 211-258
- Durand-Guédy, D. (2018). Isfahan during the Turko-Mongol Period (11th-15th Centuries), *Cities of Medieval Iran*, Edited by David Durand-Guédy, Roy P. Mottahedeh and Jürgen Paul, Brill’s journal Eurasian Studies, Volume 16, No. 1-2: 253-312
- Ebn-Balkī (1385 Š), Fārsnāmeḥ, edited by R. Nicholson, Tehran: Asāfir
- Ebn-Hūqal (1366 Š), Safarnāmeḥ-ye Ebn- Hūqal, Iran dar Şūrat Al-Ard
- Foruzani, Abolqasem (1385 Š), the political situation of Isfahan in the first centuries of Hijri, majmū’e-ye maqālāt kongereh-ye bozorgdāşt-e Eşfahān, edited by Fazlollah Salavati, Tehran: Etela’āt: 340-355
- Golabi, Majid (1390 Š), Urbanization of Isfahan from the Sassanid period to the end of the Seljuk period, *Pāyānnāmeḥ-ye kārşenāsi arşad*, Tarbiat Modares.
- Golombek, L. (1974). Urban patterns in pre Safavid Isfahan, *Iranian Studies*, 7: 1-2, 18-4
- Habibi, Mohsen (1396 Š), Az šār tā šahr, Tehran: Dāneşgāh-e Tehrān
- Hillenbrand, Robert (1393 Š), Islamic architecture, translateb by Baqer Ayatollahzadeh-ye Shirazi, Tehran: Rozaneh
- Homāyī, Jalāl Al-Dīn (1390 Š), History of Isfahan, Volume of Buildings and Buildings, edited by Mahdoktbanu Homayi, Tehran, Pažūheşgāh-e ‘olūm ensānī va motāle’āt ‘olūm farhangī
- Homayi, Jalal Al-Din (1390 Š), Tārīk-e Eşfahān mojallad-e abnīye-ye va ‘emārāt

- (tatammeh), edited by Māhdoktbanū Homāyī, Tehrāan, Pažūhešgāh-e 'olūm ensānī va moʔāle'āt 'olūm farhangī
- Honarfar, Lotfollah (1348 Š), Emāmzādeh Esmā 'īl-e Ešfahān, Ma'āref-e Eslāmī. 8: 93-99
- Honarfar, Lotfollah (1350a Š), Meydān-e Naqš-e Jahān, Honar va mardom, 105: 2-28
- Honarfar, Lotfollah (1350b), Ganjīneh-ye aṭār-e tarīkī Ešfahān, Ešfahan: Taqāfī Jabalāmelī, 'Abdollah (1392 Š), The history of changes in Ešfahan's Jame Mosque, Fašlnāmeḥ-ye elmī honarī-ye Aṭār, 61: 29-66
- Jaberi Ansari, Mohammad Hasan, History of Isfahan and Ray and All the World, Hosein Emadzadeh
- Jafari Jebeli, Hosein; Shahabinejad, Ali (1395 Š), Historical urban squares, Ešfahan: Sāzmān-e farhangī va tafriḥī-ye šardārī-ye Ešfahān
- Jafarian, Rasul (1377 S), yādi az mahallāt va rustāhā-ye Ešfahān dar aṭār abd al-karim sam'ani, Ketāb mah-e Tarīk va Joḡrāfiyā, 16
- Jafarian, Rasul (1393 Š), History of Iran from the beginning of Islam to the end of the Safāvids, Tehran: Našr-e 'Elm
- Jamaluddin, Gholamreza (1396), The history of gardens and garden making in Iran, Tehran: Rozeneh
- Javari, Mohsen; Alian, Alamdar (1395 Š), Archeology of Atiq Square, Ešfahan: Sāzmān-e farhangī va tafriḥī-ye šardārī-ye Ešfahān
- Kaempfer, Engelbert (1363 Š), Safarnāmeḥ-ye Kempfer, Translation by keykavus Jahandari, Tehran: k̄ārazmi
- Kajbaf, Ali Akbar (1394 Š), Ešfahan in the Seljuq period, Ešfahan: Sāzmān-e farhangī va tafriḥī-ye šardārī-ye Ešfahān
- Karimiyan, Hasan; Ahmadi, Abas Ali; Saeidi, Fariba (1387 Š), Ta'yīn kārbary va gahnegārī kāq qal'e Šahdež Ešfahān ba estenād be natāyej-e ḥafriyāt bāstānšenāsāneh, Majaleh-ye adabiyāt va 'olum ensānī Dānesgāh-e Tehrān, 4: 79-110
- Kasaei, Nurollah (1363 Š), Madāres-e Neṭāmī-ye va taṭīrāt-e 'elmī va ejtemā'ī ānhā, Tehran: Amīrkabīr
- Le Strange, Guy (1393 Š), The lands of the eastern caliphate, Translation by Mahmod Erfan, Tehran: Enteshārāt 'elmi va farhangī
- Mafārūkī, Mofaḍal ibn Sa'd (1431 Q), Maḥāsen Ešfahān, edited by: 'Āref Ahmad Abdolḡani, Damascus: Dar Knan
- Mahdavi, Mosleh Al-Din (1386 Š), A'lām-e Ešfahān, vol. 1-3, edited by Gholamreza Nasrollahi, Ešfahan: Sāzmān-e farhangī va tafriḥī-ye šardārī-ye Ešfahān
- Mehryar, Mohammad (1382 Š), Farhang-e Jame'-e nāmehā va ābādīhā-ye kohan-e Ešfahān, Ešfahan: Farhang-e mardom
- Mo'ezī, Moḥammad b. 'Abd Al-Malek (1318 Š), Dīvān Amir Al-Šo'arā Moḥammad b. 'Abd Al-malek, edited by Abas Eqbal, Ketābforūšī Eslāmīye
- Namdariyan, Ahmad Ali; Mostafa, Behzadfar; Khani, Somayyeh (1395 Š), The Network of Madis and the Urban Development of Isfahan along the Safavid Era, Motāle'āt me'mārī Iran, 10: 207-228
- Neyšābūrī, Tahīr Al-Dīn (1332 Š), Saljūqnāmeḥ, Tehrān: Kāvar
- Rafiei Mehrabadi, Abolqasem (1352 Š), National Artifacts of Isfahan, Tehran: Anjoman Aṭār mellī
- Rahmanpur, Nahid (1393 Š), The effects of ethnic culture in the appearance of Seljuk furniture, Baq-e Nazar, 31: 67-77.

- Rāvandi, Moḥammad ībn Alī (1921), *Rāhat Al-Sodūr va Āyat Al-Sorūr dar tārik āl-e Saljūq*, edited by Moḥammad Eqbāl, Leiden: Brill.
- Richard E. Grabar, O. (1394 Š), *Islamic Art and Architecture 650-1250*, translation by Yaqub Azhand, Tehran: Samt.
- Riyahi, Mohammad Hoseyn (1380 Š), *Saruye-ye Eşfahān*, *Farhang-e Esfahan*, 21: 56-62
- Riyahi, Mohammad Hoseyn (1392 Š), *Jastārḥā-yi az tārik vaqf dar Irān be vīze Eşfahān (bā takye bar neveštēhā-ye Abdol Ḥoseyn Sepantā)*, *Vaqf Mīrāt Javīdān*, 21, 84: 17-62
- Şeyk Bahāyī (1307 Š), *Tūmar Şeyk Bahāy*, *Eşfahān: Dāyere amlāk va asnād Esfahan*.
- Shafaqi, Sirus (1385 Š), *Bāzār-e bozorg-e Eşfahān*, *Esfahan: Sāzmān-e farhangī va tafriḥi-ye šahrdāri-ye Eşfahān*
- Shojadel, Nadereh (1386 Š), *the evolution of architecture in Jolfa, Esfahan*, *Peymān*, 40
- Shojaee Esfahani, Ali (1393 Š), *The Siting of Jay and Yahudiya Cities in the Rostāq-i Jay of Isfahan and the Change in the Seat of Power until the Rise of Seljuks*, *Pažūheşhā-ye Irānşenāsī*, 4, 1: 57-76
- Soltanzadeh, Hosein (1395 Š), *Situation of Jameh Mosques and Their Relationship with Other Important Spaces in Historical Cities*, *Pažūheşhā-ye Joğrafiyā-ye ensānī*, 48, 2: 363-376
- Sorushyar, Jamshid (1354 Š), *Hāşīye-ī bar yek ketāb Aṭār-e mellī-ye Eşfahān Ta'līf Abolqāsem Rafī'ī Mehrābādī*, *Negīn*, 127: 34-40
- Tahvildar, Mirza Hosein Khan (1388 Š), *Geography of Isfahan*, edited by Elahe Tira, Tehran: Akhtarān
- Taqavi, Abed; Golabi, Majid; Asghari, Behzad (1393 Š), *investigation of the role of religious trends in the formation and expansion of the city of Isfahan from the era of the Abbasid caliphate to the end of the Seljuq rule*, *Pažūheşhā-ye tārikī*, 21: 71-84
- Van Renterghem, Vanessa (1395 Š), *Baghdad: A look at the Seljuk Empire from the edge of the border, in the Seljuks*, in in Edmund Herzig, Sarah Stewart (eds), *The Age of Seljuqs*, translation by Kāzem Firūzmand, Tehran: Naşr-e Markaz: 94-88

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی